

# طرحی در زمینه انقلاب آموزشی

## کلیات و نقطه نظرها

### فروضها :

در تهیهی این طرح ، ضوابط زیر اگر چه برای گروهی فرضیه بنظر می آید اما برای ما اموری پذیرفته شده اند .  
 آفرینش جهان را غایتی و هدئی است ، جهان هستی بر اساس حق و عدل و قانون است و چیزی بهبود یافته نشده است بنابراین انسان بعنوان آفریده ای و جزئی از آفرینش از روی هدف و غرضی آفریده شده است .  
 انسان موجودی گرامی ، خلیفه خدا در زمین و واحدی غیر قابل تجزیه و موجودی مادی و روحی و دارای موهبت ها و استعداد هائی است . او موجودی آزاد ، مختار دارای نقاط قدرت و در عین حال نقاط ضعفی است .  
 آفریده ای دارای عقل ، احساس ، روان

حسن و حرکت ، لاطفه ، محبت کننده و جوهای محبت ، دارای امکانات محدود از نظر قدرت ، سرخورداری از لذائذ و دیناها يك است و رفتار او در گروه تغییر می کند .

او موجودی تغییر پذیر متفاوت با دیگر همخوان در هوش و استعداد است میتواند زندگی خود را در طول تاریخ متحول سازد ، ولی تغییر پذیری او در کودکی بیشتر است او میتواند در همه عمر هم شاگرد و هم معلم باشد و بر اساس خواست و اراده خود سر نوشت خود را بسازد .

فرض بر این است که جهان با همه عظمت مکتب و مدرسه است ، دانش آموزی يك فرضیه است ، و هر کس با نظر داشتن این

قدرت سیاسی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشند، از امکانات و سخن بطور مساوی برخوردار گردند و بسوی جامعه بی طبقه‌ی توحیدی گام بردارند.

### محتوا:

محتوا باید براساس نیازها و شرایط اجتماعی باشد، علم، تکنولوژی و اطلاعات دنیای امروز در آن مطرح است. تلاش‌ها متوجه در نظر داشتن واقعیت‌ها، هدنگرائی، حفظ منافع مردم، ورود در بطن زندگی، آموزش کار جمعی، تقویت سنتهای مرفعی، حفظ و تقویت آزادی و استقلال، ارتباط با صحیح با مردم جهان، همزیستی مسالمت آمیز با آنها که سرچنگ با ما ندارند، آموزش نظامی برای ارباب و ارباب دشمن و دفاع از کبان خود و جامعه، سازندگی مردم بمنظور رسیدن به مرحله‌ی خودکفائی، محکوم کردن تبعیضات، مشارکت و تعاون در امور و از این قبیل است.

نظام در جهت قداست و استواری روابط خانوادگی، حفظ حقوق و اخلاق روابط انسانی، سازندگی زن برای بازبایی وظیفه خطیر و پر ارج مادری زادن و پروردن انسان‌های مکتبی و ساختن کانون خانواده برای رشد و تعالی انسان و بیرون آوردن جامعه از حالت ابزار کار عوامل استثمار است.

### مراتب تحصیلی

کلا تربیت در پنج مرحله است: تربیت

دو فرضیه می‌تواند خود و دیگران را بسازد و بسوی کمال و آدمیت بشتابد.

واقعیت‌های محیط در ماموثرند در همین حال می‌توان آنها را تحت کنترل در آورد و با تاجدودی خود را از تأثیرات آن دور و بر کنار نگاه داشت و واقع بین با هدنگرائی همراه است و این مشی همچنان باید ادامه پیدا کند

### نقطه نظرها و اهداف:

نقطه نظرها در این برنامه ریزی متوجه دو مساله است ۱- رهائی ۲- سازندگی در جنبه‌ی رهائی غرض بیرون کشیدن نظام و افراد جامعه است از سلطه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نیز از جهل بردگی فکری، تحمیلات شرق و غرب، طاقوت‌ها، کاغذ بازی، بی بند و باری، مدرک گرایی، پشت میز نشینی، سنت‌های ارتجاعی، مادیت یا معنویت حرف، غربگرایی‌ها، تبعیضات و ...

و در جنبه سازندگی غرض ساختن جامعه ای است توحیدی که مبتنی بر لسط و عدل اسلامی است که مادیت و معنویت در آن به تناسب هم مطرح باشد، استثمار و استثمار مطرود، آزادی مشروط و دور از انحراف در آن مطرح باشد.

هدف آماده کردن افرادی است که درست بیندیشند، درست کار کنند، و کار مفید کنند در علوم، فنون صنعت، تولیدات خودکفا باشند، در جنبه بین المللی خود را بوجهی لیکو اداره کنند، دارای استقلال وحدت و

شیوه کار بر اساس تعلیم و تعلم است افراد در عین اینکه می آموزند بدیگران هم یاد می دهند و این مسؤلیتی اسلامی است.

در جنبه پرورش تکیه به ارائه انگواست و از این بابت معلم باید ساخته شده و مکتبی باشد در این جنبه تبعیض، تعذیر، رکود و جمود از میان میروند، در سازندگی و بازسازی تکیه بر مهر و صمیمیت و صداقت است از وسایل و ابزارهای چون تشویق تحسین، پند و اندرز، تذکر، اخطار، ملامت، تهدید و سرانجام تنبیه استفاده میشود

در جنبه اداری، بوروکراسی از میان می رود و مسؤلان در چهارچوب ضوابط اندیشیده و مکتبی به انجام وظیفه می پردازند و کارهای اداری را بسرعت و سروسامان می دهند و البته این امر نیازمند به تفویض اختیارات بیشتری به معلمان و مدیران است  
معلم :

در این نظام انتخاب مسؤلان و معلمان بر اساس ضوابط مکتبی و گزینش افرادی مؤمن و کاردانی است که در عین اجرای برنامه نظارت مستمر بر حسن اجرای نظام دارند و در ساختن جامعه اهلیت و مشارکت مینمایند. معلم سالم که از لحاظ روحیه و نوری است علاقتند به ایجاد رابطه انسانی بین خود و شاگرد و در انجام وظیفه اش صبور و باحوصله است. نقش معلم راهنمایی و هدایت شاگردان و در عین حال انتقال میراث فرهنگی و واداشتن طفل به نیک اندیشی و عمل است. مسائل و

در کانون خانه که بنیادی است، در مدرسه و دبستان که در آن آموزش اساسی است، در متوسطه که از نظر ما خود در سه مرحله ۲ ساله است (بعد از این مورد بحث خواهیم کرد)، و در آن علوم، فنون آموزش داده میشود، مرحله عالی که هدف آن تربیت متخصص و برنامه ریز است و مرحله تکمیل که تا پایان عمر است.

مراتب تصمیم بگونه ای است که در هر مرحله ای از آن اگر افراد خارج شوند میتوانند وارد بازار کار شوند و در صورت بازگشت امکان ادامه راه موجود است و در جمع افراد از حدود سن بلوغ باید بتوانند بطور استقلال ادامه زندگی دهند و در صحنه آن و مهارتشان بتوانند شرکت کنند.

در عین اینکه تربیت مدرسه ای مهم است تربیت اجتماعی نیز مورد نظر است و افراد بخصوص از زمانی که وارد مکتب اجتماع میشوند تربیت می یابند و عملاً توجه میشوند و این مقطع در ضمن مقاطع رسمی پس از آن مورد نظر خواهد بود  
روشی

در آموزش تکیه بر تجربه و حس است و در آن سعی می شود از حواس متعدد انسان استفاده شود و عمل بر تئوری بچربد و وسایل و ابزارهای که مورد نیاز است بدون هیچ محدودیتی در اختیار قرار گیرد بخصوص از وسایل سمعی و بصری و ارتباط جمعی کمک گرفته شود.

در اجرای برنامه اهداف که در سراسر کشوری است ولی جزئیات و نحوه اجرای آن فرق میکند. ما معتقدیم که اجرای برنامه در همه نقاط مملکت نباید یکسان باشد، شرایط اقلیمی و جغرافیائی و نیز شرایط اقتصادی و فرهنگی هر منطقه هم باید مورد نظر باشد.

بشترانه اجرا مکتب و مذهب رهبری قاطع، اراده مردم، امکانات مادی و معنوی جامعه، قانون و حفظ حرمت آن است و البته مشکلات اجرای آن آماده کردن معلم، مکان، دادن آگاهی‌های لازم و در نظر گرفتن خواست ها و نیازهای منطقه است.

#### ضرورت روز

آنچه برای امروز ضروری است ضمن انجام تلاش برای برنامه ریزی و اجرا آموزش حرفه‌ای کوتاه مدت به دبیران و معلمان، آموختن کشاورزی، بهداشت، نظام، صنعت، به آنها برای رفع مشکلات مملکت و بیرون آوردن آنها از بیکاری است و همین عده میتوانند مجری طرح و برنامه و کمک کارها در تحقق انقلاب آموزشی باشند.

#### تغییرات همگام

انقلاب آموزشی به عوامل متعددی وابسته است چون: ارزشهای جامعه، خط مشی اقتصادی، سیاسی، قوانین و مقررات، آداب و سنن و... تربیت نمی‌تواند تافته جدا بافته‌ای از این مسائل و امور باشد.

بقیه در صفحه ۶۲

دشواری‌های شاگرد را در می‌یابد و به حل آنها اقدام میکند بگونه‌ای که مدرسه و کلاس از یکسو بعنوان کانون خانواده‌ای در آید و از سوی دیگر بتوان بخشی از جامعه ارزیابی:

روش امتحان به روش فراگیری وابسته میشود و از این بابت نظام مکتبی قدیم و با نظام طبیبی موجود باید احیا گردد. هر کس به تناسب استعداد و امکانات خود به فراگیری بپردازد و به همان صورت هم امتحان دهد و ارتقاء یابد.

ما نمی‌توانیم بپذیریم که شاگرد امری را در سه ماه یا بیشتر یاد بگیرد و در فاصله چند دقیقه‌ای امتحان دهد. بخصوص در روستاها معلمان حق امتحان و ارتقاء دادن دانش آموزان را داشته باشند و از روشهای رسمی معمول بهره‌برند. در عین حال برای جلوگیری از سوءاستفاده‌ها در مراحل تحصیلی امتحان توسط مسئولان منطقه باشد امتحان وسیله‌ای برای شناخت نقاط ضعف و هدایت است نه محاکمه و نشان دادن حاکم و معکوم.

#### اجرا

برنامه یکباره و بصورت کلی تا چهار کلاس ابتدائی اجرا شود و از آن مرحله به بعد هر سال یک کلاس، در عین آنکه سعی میشود کلیه کلاسهای که مشمول اجرا نیستند همه ساله تا حدودی محتوای آن تغییر یافته و بسوی نظام موجود جهت داده شوند.

# حق آزادی انسان در انتخاب شغل

(ولست أرى أن أجبر أحداً على عمل يكرهه) :  
من عقیده ندارم کسی را به کاری که دوست ندارد و ادا نمی‌آید و به  
کار اجباری بگذارم . علی (ع)

## هر کسی را بهر کاری ساخته‌اند .

تردیدی نیست در اینکه افراد بشر با سلیقه‌ها و استعدادهای گوناگونی آفریده شده‌اند به این معنی: (هر کسی را بهر کاری ساخته‌اند، مهر او را در دلش انداخته‌اند) با اصطلاح (هرسری را ذوقی است خوشبخت کسی است که که ذوقش را در پند) روی همین اصل، یکی علاقه‌ی به تحصیل دارد و دیگری ذوق کار سومی ذوق هنر و صنعت و همچنین ..

برای اینکه استعدادها شکوفا شود و افراد بتوانند مطابق ذوق خود شغلی را انتخاب کنند، نباید در جامعه چیزی مانع نمو و تکامل تجلی شخصیت افراد باشد ، چون افراد متنوعند و همه را در یک قالب نمی‌توان ریخت و ریختن همه در یک قالب نابود کردن شخصیت آنهاست و لذا باید در جامعه آزادی باشد تا افراد فرصت داشته باشند، متنوع شوند و استعدادهای خود را بروز دهند و این آزادی شرط اساسی پیشرفت تمدن و فرهنگ است .

اگر همه افراد را به زور در یک قالب بریزیم و آزادی انتخاب شغل را از آنها بگیریم نتیجه آن بزمرد شدن فردیت و تپاه شدن استقلال و قالبی شدن فکر و سخن و انحطاط فرهنگ است. گناه اساسی دستگاه تربیتی جدید که استعمارگران غرب بر ما تحمیل کرده‌اند همین است زیرا تاکنون سیستم تربیتی ما طوری بود که به استعداد افراد توجهی نمیشد ، در حالیکه در

کشورهای مترقی جهان، قبل از استعداد کودکان را می‌سنجند تا بدانند در کدام رشته و در کدام کار امید مولفیت بیشتری دارند و بهتر به درد جامعه می‌خورند.

مثلاً: کودکان را بدون اطلاع قلبی، وارد مکتبی می‌کنند که در آنجا مقاداری روزنامه و کتاب، و مقداری گل و گیاه و چند لقمه تابلونقاهی و چند عدد سنگهای معدنی و مقداری لوازم و ابزار مکانیکی و چیزهای دیگر در جاهای مختلف به ترتیب مخصوصی قرار داده‌اند هر کسبکه مستقیماً متوجه روزنامه و کتاب میشود، معلوم می‌گردد که شایستگی مطالعه در امور اقتصادی و سیاسی را دارد، آنکه متوجه گل و گیاه شد، معلوم میشود ذوق زراعت و کشاورزی را دارد و آن کودکی که متوجه تابلوهای نقاشی شود، معلوم می‌گردد که به نقاشی و کارهای هنری علاقمند است و همچنین آنکه متوجه سنگهای معدنی شود معلوم است که ذوق زمین‌شناسی دارد، و آنکه ابزار مکانیکی نظر او را جلب کند، معلوم میشود که رغبت و شوق به امور مکانیکی دارد.

می‌گویند: فرهنگ مشاغل بعضی از کشورهای بزرگ غربی، بالغ بر بیست و دو هزار شغل را نام می‌برد (۱) و البته علت تنوع و کثرت مشاغل آنست که: استعدادهای علمی و عملی بشر به هزاران صورت گوناگون می‌تواند تجلی نماید.

آری آزادی، منشأ فعالیت انسانهاست، شکوفائی استعدادها و نیروهائی که در وجود انسان نهفته است بوسیله آزادی میسر است تمام رونق‌های اجتماعی، اختراعات، استکرا، شکوفائی اندیشه‌ها، همگی در سایه فعالیت‌های آزاد افراد انسانی به جامعه عرضه میشود.

### آزادی انتخاب شغل در اسلام

در اسلام هر چند در این باره بحث مشخصی در کتب معتبر اسلامی، به چشم نمی‌خورد ولی وقتی به سندی بر می‌خوریم که می‌گوید: (الناس کلهم احرار الا من اقر علی نفسه بالعبودية) (۲) مردم همه آزادند مگر کسانی که به بندگی خود را ران نموده‌ و تن به بیستی و خواری داده‌اند. بادر سند دیگری می‌گوید: (لا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً) (۳) بنده دیگری مباش که خدا ترا آزاد آفریده است. بادر آنجا که در سند دیگری می‌فرماید: آن که بیکن لکم دینا فکونوا احراراً لذینا کم) اگر بدهنی عیبده ندارید در زندگی دنیوی خود احرار و آزادگان باشید. آیا اینها دعوت به آزادی و آزادگی نیست گرایش به آزادی از مرز فکر انسان هم گذشته و به قلمرو غریزه او وارد شده است از اعماق غریزه انسان

(۱) کتاب روح بشر ۱/۱۲۳

(۲) وسائل چس ۲۴۳/

(۳) نهج البلاغه فیض الاسلام / ۹۷۰

فریاد آزادی بلند است . (۴)

برنامه‌های تربیتی و فرهنگی اسلام، کاملاً آزادمنشانه است و هدف آن پرورش تربیت انسان آگاه ، آزاد ، مستقل و دلیراست . تعلیمات تربیتی اسلام طوری است که انسان را به آزادی ، مناعت طبع و عزت نفس سوق میدهد .

در اسلام انسان در انتخاب شغل در رشته تحصیلی کاملاً آزاد است حتی پدر و مادر هم نباید افکار و عقاید خود را به فرزند خود تحمیل کنند . بسیاری از پدران و مادران هستند بر اثر انس و الفت به شغل خود، دوست میدارند فرزندان شان جانشین آنها بشوند و نام آنها و نام حرفه آنها را همواره بر سر زبانها نگاه دارند .

(علی) (ع) از اینگونه تربیت تحمیلی انتقاد کرده و لزوم توجه به کیفیت تغییر زمان را گوشزد نموده است آنجا که فرموده :

الانقرس و اولاً کم علی آدابکم ، فانهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم (۵)  
فرزندان خود را به اصول و آداب خودتان مجبور نسازید زیرا آنها برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند .

سوگندانه هنوز هم در بیشتر خانواده‌ها ، هدف تربیت را پدر و مادر مطابق ذوق و سلیقه خود برای فرزندان خویش تعیین میکند و هرگز به ذوق و استعداد آنان توجه نمی‌کند

\* \* \*

### سلب آزادی از طبقه کارگر در جهان کمونیسم

در کشورهای کمونیستی که به غلط خود را طرفدار کارگر قلمداد می‌کنند، طبقه کارگر محرومترین طبقات است که در نهایت ناراحتی و محدودیت بسر میبرد و از خود هیچگونه اختیاری ندارد و مقدرات او در دست حزب کمونیست قرار دارد و شدت تساوت افراد نسبت به آنها از قوانینی که درباره طبقه کارگر وضع نموده‌اند ، معلوم میشود .

در دستور بکه در ۱۱ اکتبر سال ۱۹۳۰ صادر شده تصریح گردیده است که : کارگر هر کاری در هر منطقه‌ای برایش تعیین شود مجبور است بدون چون و چرا بپذیرد و در دستور ۲۳ سپتامبر سال ۱۹۳۰ و دستور ۹ اکتبر ۱۹۳۰ و ۱۰ اگس سال ۱۹۳۰ تصریح شده که اگر بعمل خودش ، کارش را رها کند فراری شناخته میشود و به ده سال کار اجباری در اردوگاه محکوم میگردد و در قانون اساسی حزب که در ۲۶ یونیو سال ۱۹۴۰ به تصویب رسیده ، تصریح شده است که مدیرعامل کارگاهها حق دارند ، کارگرا برای مدت چهارماه بدون

(۴) حقوق اسلام : ر ۲۰۱

(۵) نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۲۰ ر ۲۶۷

محاكمه و تحقیق به حبس محکوم نمایند . (۶)  
 آیا با توجه به این قوانین ظالمانه ، میتوان گفت در کشورهای کمونیستی آزادی وجود  
 دارد و طبقه کارگر سعادت مند و خوشبخت می باشد ؟

### اسلام و تحمیل کار ؟

در اسلام در انتخاب شغل همه آزادند و کسی حق ندارد ، فکر خود را به دیگری تحمیل  
 کند ، و در خواسته های او دخالت نموده و یا به کاری مجبورش کند ، زیرا تحمیل کار اجباری  
 کار ظالمانه است و با حق آزادی کار و انتخاب شغل منافات دارد و کاملاً مباین با شرف و عزت  
 انسانی است و لذا اسلام باشد تمام با این بیدادگری مبارزه کرده است در زمان خلافت علی  
 (ع) مردم یکی از شهرها بحضور آن حضرت آمدند و معروض داشتند در سرزمین ما آثار نهری  
 هست که گذشت زمان و حوادث روزگار مجرای آن را بهم ریخته و ما را از فوائد آن محروم  
 ساخته است چنانچه آن نهر دوباره پاکسازی شود ، در آبادی شهر ما فوق العاده مؤثر  
 خواهد بود .

سپس از آن حضرت خواستند به فرماندار آنجا فرمان دهد تا همه مردم آن شهر را به بیگاری  
 وادارد و بفرمان نهر ، بگمارد . امیر مومنان علی (ع) چون سخن آنان را شنید نسبت تجدید  
 حفز نهر اظهار علاقه نمود و ای با موضوع بیگاری و کار اجباری با آنکه مورد تقاضای خودشان  
 بود موافقت ننمود و نامه ای به این مضمون به حاکم و فرماندار آنجا نوشت :

گروهی از حوزه مأموریت تو نزد من آمدند و گفتند که آنان را نهری است که خراب و  
 متروک شده است . و اگر اهالی آنجا آن نهر را حفر و استخراج نمایند سرزمینهاشان آباد خواهد  
 شد و قادر به پرداخت همگی خراج خواهند گردید و در نتیجه درآمد مسلمانان از ناحیه آنان  
 افزایش خواهد یافت ، اینان را بکندن نهر و تأمین هزینه آن مجبور سازی . ( وگستاری آن  
 اجبر احدی علی عمل بکرهه . )

(من عقیده ندارم که کسی را بکاری که دوست ندارد وادارم و به کار اجباری بگمارم)  
 بنابراین ، مردم آن آبادی را نزد خود بطلب تا اگر کار نهر بر آنگونه باشد که آنان وصف  
 کرده اند ، هر کدام از آنان را که بطیب خاطر مایل بکار باشد بکار بگمار . ولی چون نهر ساخته  
 شود متعلق به کسانی خواهد بود که در تجدید آن کار کرده و زحمت کشیده اند ، نه آن کسانی  
 که از کار ، خود داری کرده اند . (۷)

دقت در این فرمان نشان میدهد که امیر مومنان در این فرمان دو اصل مهم از اصول  
 کار و کاری را پایه گذاری نموده است که یکی از آنها حق آزادی و خود مختاری کارگر است

(۶) سیستم سیاسی اسلام ۱۴۷ - ۱۴۸

(۷) کتاب عدالت و قضا در اسلام صفحه ۷۷ - ۷۸



و دیگری تخصیص درآمد به طبقه کارگر می باشد. این دو اصل از اصول مهم عدالت اجتماعی و اقتصادی است که ترنهایش از آنکه اقتصاد دانان و حقوقدانان به آن توجه کنند مسود توجه اسلام بوده است. در اسلام افرادی که در انتخاب شغل کاملاً آزاد هستند بلکه مالک دسترنج خود نیز بوده و در کیفیت تصرف آن نیز آزاد می باشند.

خلاصه در نظام اسلامی هر انسانی آزاد است از راههای مشروع و قانونی کسب ثروت نماید. دولت اسلامی هیچ مقامی حق ندارد انسانی را از بدست آوردن مال حلال منع نماید و حق ندارد کسی را از کسب و کار منع کند مگر از آنچه که اسلام حرام کرده باشد مانند: ربا و قمار، ساخت و خرید و فروش شراب و غیره.

بنابراین هر کس در انتخاب کار و کسب آزاد است.

هر کارفرمایی در انتخاب کارگران خود آزاد است.

هر صاحب زمینی در انتخاب کشاورز آزاد است.

و هر کشاورزی و کارگری در قبول کار از هر کارفرمایی آزاد است.

و هر یک از کارفرما و کارگر و کشاورز و مالک حق ندارد دیگری را بر چیزی منجور

گرداند، بلکه ساعات کار و مزد یا مقدار کار و اجرت و شرایط دیگر با رضایت طرفین در قرار

داد ذکر میگردد و عمل به مفاد قرارداد به طرفین لازم و واجب است.

### بقیه از صفحه ۲۳

امام (ع) فرمود: *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ « قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) كُلُّ مَنْ طَرَّقَ رَجُلًا بِاللَّيْلِ فَاخْرَجَهُ مِنْ مَنْزِلِهِ لَمْ يَكُنْ ضَامِنًا إِلَّا أَنْ يُقِيمَ الْبَيْتَهُ أَنَّهُ قَدْ رَدَّهُ إِلَى مَنْزِلِهِ... »*

سپس با اشاره به یکی از دو نفر گفت: *بِخِ هَذَا وَاضْرِبْ هُنَّكَ...*  گردن او را بزن

او گفت ای فرزند پیامبر، بخدا قسم من او را نکشتم بلکه فقط نگاهداشتم و این ناگهان

آمد و او را کشت، امام فرمود: *بِخِ هَذَا فَاضْرِبْ هُنَّكَ الْآخِرَةَ...*

اولی گفت: یاین رسول الله من او را شکنجه نکردم و فقط بایک ضربت او را بقتل رساندم.

امام (ع) به برادر مفتول گفت: تا از قاتل قصاص کنی و آن دیگری را بچسبانی محکوم

کرد و مقروداشت هر سال، تا زیانها هم باورده شود...

بشخصی اینگونه احکام در فقه اسلامی میتواند نقش سازنده ای در روابط اخلاقی و

اجتماعی و حقوقی و سیاسی ملتها داشته و میتوان آن را در دعوت های خصوصی و عمومی،

داخلی و خارجی و دعوت های سیاسی دولتی از افراد و دولت دیگر، تعمیم داد و آنان را در چنین

موارد مسئول و ضامن دانست...



# مدرس مبارزی مقاوم و خشکی ناپذیر

اردستان متولد شد، ولی پدر و جدش که اهل منیر و تبلیغ بودند اصلاً از اهالی «زواره» می‌باشند. اودرسن ۱۶ سالگی برای ادامه تحصیل به اصلهان رفت و مدت ۱۳ سال در اصلهان بود. پس از آن برای تکمیل تحصیلات به عتبات عالیات رفت و مدت هفت سال در آنجا ماند، و از محضر مدرس مجاهد و عالم بزرگ مرحوم ملا محمد کاظم خراسانی و فقیه پارسا مرحوم سید محمد کاظم یزدی استفاده نمود.

این روحانی عالی مقام در سال ۱۳۱۶ از عراق به اصلهان بازگشت، و در مدرسه «جده کوچک» مشغول تدریس لقه و اصول گردید و چون به این وظیفه، علاقه شده‌ی داشت و در انجام آن کوشا بود بنام و عنوان «مدرس» مشهور شد.

سال بیستم شماره ۱۲

**خودسازی در دوران کودکی**  
اگر انسان در کشاکش روزگار و فراز و نشیب حوادث تزلزل نگردد، و از آن در جهت سازندگی خویش سود برد، علاوه بر آنکه سرانجام بر موانع سیر راه به شرف و تکاملش پیروز خواهد شد، خویش را از نظر نیرو و صلابت و استقامت نیز پرورش خواهد داد.

مرحوم مدرس از شخصیت‌های برجسته و مبارزی است که توان مبارزه و تداوم آن را از پیش (دوران کودکی) بجهت قرار دادن خویش در کورانهای حوادث و تحمل شدائد و تمرین کارهای دشوار، تحصیل کرده است.

سید حسن مدرس فرزند سید اسماعیل در سال ۱۲۷۸ هجری در قره «سراپه» از توابع

این روحانی مبارز و هشیار ، چنان خود را در آغوش مشقات پرورانده بود که تحمل هرگونه مشکل برای او آسان می نمود . انسانهایی که نوعاً در برابر سختیها ، شکیبائی خود را از دست می دهند ، و شخصیت انسانی خویش را برای رهایی از دشواریها و روی آوردن به رفاه و آسایش کاذب ، تن به ذلت می دهند ، کسانی هستند که از موهبت رنج و تعب ، در جهت سازندگی خویش سود برده اند .

مرحوم مدرس با الهام از آئین آسانی اسلام و درس آموزی از مشکلات موجود زندگی ، خویش را برای درگیری و مبارزه در راه احیای اسلام و دفاع از حقوق مسلمانان پرورش داد چنان که هیچگونه تهدید و تطمیع در او اثری نداشت .

درباره تقوای مالی مرحوم مدرس همین بس که بهنگام شهادت ، نقدینش به بیشترین برآورد ، بیست و چهار تومان بود . (۲) (با آنکه مراجعات فراوانی داشت و رسیدگی به وضع مستمندان در سرلوحه کارش قرار می گرفت) غذای او تماماً نان و پنیر و گاهی هم آبگوشت بود ، و پیراهن و لباس هم از کرباس تجاوز نمی کرد . هیچگونه توقع مالی از هیچکس نداشت . روزی در مجلس شورای ملی گفت :

من ده رئیس الوزراء و چهل

مرحوم مدرس از آغاز کودکی ، زندگی سخت و دشوار و محقری داشت ، پدرش سید اسماعیل مردی متدین بود که به مال و مقام توجهی نداشت ، و خانواده و فرزندانش را نیز به اعتقادات خویش عادت می داد ، و میل داشت فرزندانش مانند او ، قانع و دور از حرص و طمع ، بی توجه به مال و مقام ، اهل مبارزه و ستیزه با ظلم و فساد ، و تسلیم ناپذیر در برابر قدرت زور و باشهامت بارآورد ، تا شرف انسانی و اعتبار اسلامی خود را بچیزی نفروشد . چنان باشند که تنها برای حق و حقیقت مبارزه کنند و در این مبارزه نه تنها از رفاه و راحتی و آسایش خود و خانواده خود بگذرند که در مواقع لازم از ابقارجان خویش نیز دریغ نورزند .

سید حسن مدرس خود گفته است :

پدرم در کودکی به مامی آموخت که چگونه در مدت شبانه روز به یک وعده خوراک قناعت و رژیم و پوشاک خود را تمیز نگاه داریم تا در قید تهیه لباس نو نباشیم ... پدرم همیشه می گفت کسی که به افراط در خوردن خواب ، عادت نکرده و تنور شکم را دمبدم نتافته باشد در برابر زور ، تسلیم نمی شود و زو مقام در او سوسه نمی کند . (۱)

بی نیازی و سراسر آزادی

۱- یکصد سال مبارزه روحانیت مرفعی ج ۱ ص ۱۲۷

۲- موقعت ایران و نقش مدرس ج ۱ ص ۱۵۵

تهدیدشان نمایند .

اما آنان که در صحنه سیاست ،  
۳۳ را از قلمر و دیانت فراتر نمی نهند  
و هیچگاه امور سیاسی را وسیله  
کسب مقام و پول قرار نمی دهند ،  
قریب بازیگران خارجی و داخلی  
را نمی خورند .

حتماً به خاطر داریم که در آغاز مبارزات  
روحانیت ، به پیشگامی رهبرانقلاب ، شاه  
ملعون که يك نوکر سرسپرده و حافظ منافع  
بیگانه بود و قیام دلیرانه مردم مسلمان را  
برهبری امام خمینی ، و برانگیزنهادن کاخهای  
خویش و از بابانش می شناسخت ، ابتداء  
تصمیم گرفت بلکه از طریق تطمیع ، او را  
و ادار به سکوت و سازش بنماید ، از اینرو  
بوسیله ابادهای مخصوص خود ، به رهبرانقلاب  
پیام فرستاد که : اگر شما از ایران خارج  
شوید و متعرض مسائل مملکتی  
نشوید حاضر ۵۰ میلیون تومان  
بشما بدهم رهبر کبیر انقلاب در  
پاسخ فرمودند : از جانب من به شاه  
بگوئید اگر شما از مملکت بیرون  
بروید و دست از سر مردم مسلمان  
بردارید من حاضر ۵۰۰ میلیون  
تومان بشما بدهم .

بدینسان می بینیم روحانیت مبارز و  
و معتقد در صحنه سیاست هرگز تحت هیچ

پنجاه وزیر را دیدم و رد کردم ،  
اگر هر کدام در این مجلس مدعی شد  
که مدرس توقعاتی از من کرده است ،  
آن شخص خیلی مرد است . يك کاغذ  
در کابینه ای ندارم ، هیچ تقاضایی  
از کسی نکردم (۱)

ضعف غالب سیاستگران معمولی جهان  
که همان پول پرستی و مقام طلبی است ،  
به هیچوجه در این روحانی جلیل القدر وجود  
نداشت . از جمله داستانهای شیرین و  
آموزنده ای که در این باره از مدرس پرسر  
زبانها است ، داستان چک فرستادن سفیر  
انگلیس برای مدرس است . می گویند وقتی  
که مدرس چک را درست فرستاده انگلیسی دید  
پرسید : این چیست ؟ آورنده چک پاسخ داد  
این چک است که می برند در بانک تبدیل به  
پول می کنند . مدرس قهقهه می خندد و  
می گوید : به آقای سفیر بگوئید من جزسکه  
زر به اندازه باربک شتر آنهم در روز روشن  
قبول نمی کنم ..

سفیر وقتی که سخن مدرس را  
می شنود می گوید : این سیدمی -  
خواهد آبروی ما را در دنیا ببرد (۲)  
آری ، استعمار و مزدوران داخلی حافظ  
منافع آنان با هزار وبك حيله و تزویرمی -  
خواهند رجال سیاسی - مذهبی را با پول  
و مقام ، تطمیع کنند و با زور و توسل به قدرت ،

۱- بازیگران عصر پهلایی ، مدرس ص ۱۹۰

۲- موقعیت ایران و نقش مدرس ص ۱۵۶

شورای ملی پشت تریبون ترار گرات ، در مقام انتقاد گفت : « مگر نبود که مدرس در همین جا سیلی خورد ؟ مگر نه اینکه مرگ مدرس در این جامعه به واسطه مشقاتی است که دید ؟ مگر نه اینست که شربت شهادت چشید ؟ آرزو مندم که چون مدرس من هم به درجه شهادت نائل شوم »

رهبر انقلاب ، امام خمینی نیز بارها از مدرس با عظمت یاد کرد و او را همواره مدافع حقوق مسلمانان و پاسدار اسلام راستین معرفی نمود . وی طی بیاناتی به مناسبت مسائل اسلامی و مصالح مملکتی ، روز دوم جمادی الاولی در سال ۱۳۸۶ هجری در مسجد اعظم قم در حال خطاب بدستگاه جبار و ستمگر حاکمه و نیز در مقام هشدار به ملت مسلمان ایران گفت :

شما خیال می کنید که روحانیت اسلام رامی شود مثل روحانیت مسیح کرد ؟ هیچ امکان ندارد . روحانیت شیعه مستقل است . اتکائی به هیچکس ندارد بیائید بگوئید به چه کسی اتکائی دارد . اما پیدا نمی کنید . این روحانیت مستقل که اتکا ندارد بهیچ جا این طلاب محترم که با سی چهل تومان در ماه ساخته اند و زحمت می کشند نمی رسد که طرفدار یک مملکتی و یک دولت دیگری باشند . اینها مستقلند ، درالکار خودشان از اینها آدم درمی آید ، و از اینها سید حسن مدرس درمی آید . . . .

شرائطی از مسیر مبارزه سیاسی مذهبی منحرف نشده و پول و مقام نتوانسته آنان را از اعتلای اسلام و احقاق حقوق مسلمانان باز بدارد .

\* \* \*

### مدرس و شخصیت‌های بزرگ

مغاصر :

مدرس از چنان شخصیتی برخوردار است که شخصیت‌های عظیم علمی و سیاسی - مذهبی او را ستوده و عظمتش را پذیرفته اند . بزرگ روحانی میرزای شیرازی اول که استاد مرحوم مدرس نیز بود در نوشته‌ای پیرامون شاگرد برجسته و محتراز خویش چنین اظهار نظر می کند :

این سید اولاد رسول الله ، پاکدامنی اجدادش را داراست و درهوش و فراست ، گاهی مرا به شگفتی می افکند . در مدتی بسیار کوتاه از تمام همدرسهای در گذشته و در منطلق ، فقه و اصول سرآمد همه پارانش می باشد و قوه قضاوت او در حد کمال و نهایت درستکاری و تقواست .

در اینجا ملاحظه می کنید که مرحوم مدرس از همان آغاز تحصیل ، شایستگی خود را بطوری نشان داده و از ویژگی‌های خاصی برخوردار بوده است .

مبارز ملی دکتر محمد مصدق نیز یکبار در جلسه شانزدهم اسفند ۱۳۲۲ پیرامون مدرس بالحن مریدی که از مراد بزرگ خویش سخن می گوید حرف زده است : او هنگامیکه بعنوان نماینده دوره چهاردهم مجلس

# نقش بیدارگران تاریخ!

پیامبران از راه تبلیغ و معجزه و با استفاده از قوه درک و فهم مردم خدماتی پس از زنده به انسان کرده‌اند

تمام پیامبران خدا و رهبران مکتب توحید، چهره ضد استکبار، ضد استبداد، ضد استثمار، ضد استعمار و ضد استضعاف داشته‌اند. آنها سرک راهی جان‌سازها و وسیله استضعاف آنها می‌دانستند و توحید را داروی بیماری توده‌های محروم می‌دانستند. قرآن رسالت پیامبر امی اسلام را در این چندمقوله، خلاصه می‌کند:

یا مروهیم بالمعروف و نینهاهم عن المنکر و یحل لهم العطیبات و یحرم علیهم الخبائث و یضع عنهم اصرهم و الاغلال العنی کانت علیهم... (امراف

(۱۵۷ -

همه بیدارگران تاریخ در خط تحقق اراده خداوند نسبت به پیروزی و رهائی مستضعفان کوشش کرده‌اند. هر کس يك پیام فرستاده، يك خطابه شورانگیز ایراد کرده، يك قطعه شعر حماسی سروده، يك پرچم برافراشته، يك لریاد اعتراض بر آورده، يك اظهار نارضايتی کرده، يك بی‌خبر را مطلع ساخته، يك خفته را بیدار کرده و... در خط تحقق اراده خدا همان در ب المستضعفین است کوشیده است. چه خود باین کار توجه داشته باشد یا نداشته باشد، مگر نه مامعتقدیم که:

لا حول ولا قوه الا بالله ۱۹

«وما ارسلناك الا رحمة للعالمين»

(انبیاء ۱۰۷)

«ترا نفرستادیم مگر بعنوان رحمت برای  
نوع بشر»

و درباره عیسی (ع) می گوید :

«ونجعله آية للناس ورحمة منا»

(مریم ۲۲)

«برای اینکه عیسی را برای مردم آیت و  
رحمت قرار دهیم»

کتابهای آسمانی هم رحمتی است از سوی  
خداوند رحمان ، بر نوع بشر :

«و نزل من القرآن ماهوشفاء و

رحمة للمؤمنين»... (اسراء ۸۲)

قرآنی نازل می کنیم که برای مردم مؤمن  
شفای و رحمت است .

«ومن قبله کتاب موسی اماماً و

رحمة» (احقاف ۱۲)

«پیش از قرآن ، کتاب موسی است که امام  
و رحمت است»

این نسیم روح بخش رحمت همه جا و  
همیشه وزیده و می وزد . همه انسانها

حق دارند از این نسیم روح بخش و رهایی-  
بخش ، بهره مند شوند . اما بشرطی که

بخواهند . که اگر بخواهند حتماً می توانند .  
زیرا «خواستن ، توانستن است» .

پیامبران ، از راه تبلیغات و معجزات و  
بینات ، با استفاده از قوه فهم و درک و

فهم و شعور مردم به تعلیم و ارشاد و هدایت

۱- آنها را به نیکی امر می کند .

۲- آنها را از منکر نهی می کند .

۳- چیزهای پاکیزه را برای آنها حلال

می کند .

۴- چیزهای پلید را برای آنها حرام

می کند .

۵- بارها و زنجیرهای گرانی که بردوش

و دست و پای آنهاست برمی دارد و به آنها

آزادی می دهد .

در همین فراز پنجم خیلی چیزها و حرفها

است . مردم مستضعف ، گرفتار ظلم و

خفان و همه نوع بارهای سنگین بدبختی

هستند و در زنجیر جهل و ناآگاهی اسیر و

گرفتارند . رسالت پیامبر خاتم رفع اینگونه

گرفتاریها و اسارتها و بدبختیهاست .

اکنون پانزدهمین فرنی است که مکتب این

ابرمرد تاریخ انسانیت ، همواره راه گشای

مبارزه با ظلم و استضعاف بوده است . همه

نمونه هایی که از ییادگران تاریخ بدست

دادیم از این مکتب الهام گرفته اند . مکتب

او حاصل پیام آزادی است . اما این آزادی

نه بمعنای هرج و مرج و السار گسیختگی

است بلکه مخصوص انسانهایی است که

در مکتب او و اماماً «خودسازی» کرده باشند .

از دیدگاه قرآن ، رسالت پیامبران -

و مخصوصاً پیامبر گرامی اسلام - رحمتی

است که از جانب خداوند ، شامل حال

انسانها می شود .

که کار پیامبران و فرستادگان خدا از نقطه  
«آگاهی دادن» آغاز می‌شود. منتهی آنها  
بمناسبت شرایط و اوضاع و احوال اجتماعی  
هر دوره سعی می‌کرده‌اند آنچه مانع آگاهی  
و بیداری مردم بوده، از میان بردارند.  
آن مانع، باطاغوت است، بابت پرستی  
است، یا استثمار طبقاتی یا ...

بدینجهت است که ابراهیم با نمرود مبارزه  
می‌کند و موسی با فرعون و نوح با شرک و فاصله  
طبقاتی و عیسی با ناسیونالیسم و نژاد پرستی  
و انحصار طلبی قوم یهود و پیامبر اسلام  
با جاهلیت مستکبرین مکه و طائف و ...  
در این زمینه سوره هود، بیشترین نقش  
روشنگری را برعهده دارد. درباره نوح  
در این سوره چنین می‌خوانیم:

فَقَالَ الْمَلَأَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ  
مَا لَسِرَّاكَ الْإِسْرَاءُ مِثْلَنَا وَمَا  
لَإِنَّا لَنَرَاكَ الْإِسْرَاءَ الْإِلَهِيْنَ هُمْ إِذْ لَنَا  
بَادِيَ الرَّأْيِ وَ مَا نَرِي لَكُمْ عَلَيْنَا مِن  
فَضْلٍ بَلْ نَحْنُكُمْ كَادِبِينَ (سوره نوح  
آیه ۲۷).

ملاء و مستکبران کفرپیشه، به نوح  
گفتند: ترا بشری مانند خود می‌بینیم و  
بیرون ترا افراد بی‌سروپایی می‌نگریم که  
بایک نظر بدوی به تو روی آورده‌اند و  
شمارا بالاتراز خود نمی‌دانیم. بلکه شمارا  
دروغگو می‌شناسیم.  
و نوح به آنها می‌گفت:

و موعظه و وعده و وعید می‌پردازند. اینها  
برای رسیدن مردم به آگاهی کافی است.  
اینجاست که اگر بخواهند می‌توانند در راه  
آزادی و تکامل گام نهند. آنها که مستکبرند  
از مرکب شیطان استکبار پیاده شوند و  
آنها که مستضعفند، از لجنزار استضعاف  
خود را بیرون کشند.

بدینجهت است که لیل از آیه ۱۵۷ سوره  
اعراف (که قبلاً قسمتی از آنرا نقل کردیم)  
می‌گوید:

« وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَاءَ  
كُتِبَ لِلَّذِينَ يُنْفِقُونَ يُؤْكُونَ الزَّكَاةَ  
وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ »

« رحمت من همه چیز را فرا گرفته است.  
بزودی رحمت واسعة خودم را برای کسانی  
می‌نویسم که تقوی پیشه کند و زکات بدهند  
و به آیات ما ایمان داشته باشند.»

سپس در معرفی اینها می‌گوید:  
« الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ  
الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي  
التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَا مَرْهُمْ ... »

« کسانی که پیرو پیامبری امی هستند که  
نام او را پیش خود در تورات و انجیل نوشته  
می‌یابند ... »

اگر انسان درباره سیره انبیاء مطالعه  
کند و - مخصوصاً - آیاتی از قرآن را که  
در این زمینه با ما سخن می‌گویند، مورد  
بررسی قرار دهد، خوب متوجه می‌شود



نظام خلطی را از میان بردارد ، چنین می گوید :

«یا قوم اعبدوا الله ما لکم من اله غیره ولا تنقصوا المکیال والمیزان انی اراکم بخیر و انی اخاف علیکم عذاب یوم محیط و یا قوم اوفوا - المکیال والمیزان بالقسط ولا تبخسوا الناس اشیاءهم ولا تعثوا فی الارض مفسدین .»

ای مردم ، خدا را بپرستید که جز او خدایی ندارید ، پیمان و وزن را کم نکنید و حقوق یکدیگر را زهرها نگذارید ( زیرا من به خیر و سعادت شمار همانائی میکنم و می ترسم که گرفتار عذاب روزی ترا گیر بشوید . ای مردم ، در پیمان و وزن ، رعایت عدالت بکنید و چیزهای مردم را کم ندهید و در روی زمین فساد نکنید .

نتیجه ای که از سوره هود می گیریم ، در حقیقت ، در آن ناسف تاریخ است . همه انومی که در این سوره بوسیله پیام برائی چون نوح و لوط و صالح و اسمعیل و موسی در معرض ارشاد قرار گرفتند هلاک شدند زیرا بواسطه اینکه نخواستند با پیروی از مکتب انبیاء بک زندگی آگاهانه و مترقی داشته باشند ، شایستگی ادامه حیات پیدا نکردند .

می گویند : یکی از رضائی های شهید ، در آخرین دلاعه پر شور و حماسی خود در بیدارگاه «شاه مظلوم» چنین گفت :

«و ما انا بطارد الدین آمنوا انهم ملاقوا ربهم و لکنی اراکم قوما تجهلون» (سوره نوح آیه ۲۹)

من مردم مؤمن را از خود طرد نمی کنم که آنها ملاقات کننده خدای خویشند ولی شمارا مردمی جاهل و خیره سرمی بینم . درباره قوم لوط که در آستانه هلاکت و عذاب الهی قرار گرفته و هشدارهای لوط را نپذیرفته بودند ، می گوید :

« و من قبل کانوا یعلمون السیئات ...» (آیه ۷۸)

آنها پیش از آنکه برشتگان عذاب به شهرشان بروند ، گرفتار انحراف جنسی و همجنس گرایی و اعمال زشت دیگر شده بودند .

مردم مدین به صراحتی که از آیات ۸۳ تا ۹۰ همان سوره استفاده می شود ، گرفتار بک نظام اقتصادی خلط و غیر عادلانه بودند . آنها که قدرت داشتند ، حقوق ضعیفان و مستضعفان را از هراهی که ممکن بود باهمال می کردند و بک فاصله طبقاتی عظیم ، در محیط اجتماعی خویش بوجود آورده بودند . البته در کنار این استثمار اقتصادی بک نوع گرایش دینی مشرکانه هم داشتند . چه بدیهی است که چنین نظامی هرگز با گرایش توحیدی سازش ندارد .

عصیب که می باید مردم را به رشد و آگاهی برساند تا بتواند به نیروی آنها چنین

یا «ما»

سر «خشم» را بگویم به «سنگ»

یا «او»

سر «ما» به «دار» سازد، آنگاه!

سالفیص

در این زمانه بر نیرنگ ،

یک «مرده» به نام ،

به ،

ز صد «زنده» به ننگ !

و مرحوم استاد مطهری ، پیش از بازگشت

امام به میهن در مجلسی اینگونه آگاهی

می دهد :

«ما سابقاً همیشه می دیدیم و در روایات

اسلامی می خواندیم که پیش از عدل کلی

الهی یعنی در آخر الزمان ، خورشید از

مغرب طلوع می کند . با خود فکرمی گردیم

مقصود از خورشید ، جز خورشید اسلام ،

چیز دیگری نیست و لذا با خود این چنین

تعبیر می کردیم که لابد چون ملت های غرب

از نظر تمدن پیشرفته ترند ، قبل از ما شرقی ها

به ارزش اسلام پی می برند و بهمین جهت

خورشید دین از غرب طلوع می کند . اما

یکمائی است ما را به فکر انداخته است که

خدایا مثل اینکه خورشید شرق به غرب

رفت که الان دارد از غرب طلوع می کند (۱)

و مرحوم آیه الله طالقانی در نشستی

که در ماه های آخر عمر خود با چند تن از

سران یکی از کشورهای سوسیالیستی داشتند ،

فرمودند :

اسلام ، خداستبداد و خداستعمار و ضد

استعمار است .

آنها در جواب گفتند : اگر اسلام اینست

پس زنده باد اسلام !

و امام در نطق طولانی خود در ۱۳

خرداد ۳۲ در مدرسه فیضیه چنین گفت :

شاه ا کاری لکنی که از ایران بیرون

کنیم و وقتی فرار کنی ، ملت جشن بگیرند ! (۲)

۲۰۱- صف ، ماهنامه ارتش جمهوری اسلامی ایران

بقیه از صفحه ۳۳

«ما از دنیا چیزی نداریم که به خاطر

آن از تو بترسیم ، و تو از آخرت چیزی نداری

که امید ی به آن داشته باشی .

وی گفت : در همین حال ، با ما معاشرت

کن تا ما را اصلاح کنی ، حضرت فرمود :

کسی که در پی دنیا است ، تو را نصیحت

نمی کند ، و کسی که در فکر آخرت است ،

با تو معاشرت نمی نماید (۱۷)

خودداری می کرد ، و برخلاف لغت و

دانشمندان دیگر ، قدم به دربار عباسی نمی-

گذاشت . و این امر برای آنان گران می آمد

چنانکه روزی منصور امام را فرا خواند و

از بی توجهی و قطع رابطه او گله کرد ، امام

پاسخ داد :

۱۷- ولیات الایمان ص ۱۱۲

# مبارزه با توطئه گران، با آزادی منافات ندارد

تفغیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمیتوان  
به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار  
داد. اصل ۲۳ از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در پیش پیش گفتیم که: هیچ مکتب و آئینی مانند اسلام برای آزادی  
عقیده احترام قائل نشده است تا آنجا که به پدر هم اجازه نمیدهد که  
بر فرزندش عقیده‌ای را تحمیل نماید ولی در مقابل توطئه و فتنه  
انگیزی ساکت نمینشیند حتی بیکار و جهاد رادر موارد زیر مجاز  
می‌شورد.

پرتال جامع علوم انسانی

دارند فرصت کافی می‌دهد که تا با مطالعه  
و تفکر، آئین اسلام را بپذیرند و اگر نپذیرفتند  
با آنان به صورت يكه اللیت هم‌پیمان،  
معامله میکند و با حفظ و دفاع از تمام شؤون  
زندگی آنان، همزیستی مسالمت آمیزی  
خواهند داشت.

و اما شرك و مخلوق پرستی، نه دین  
است و نه آئین و نه چیزی است که به آن

## ۱- برای محو آثار شرك و مخلوق

پرستی

اسلام، در حالی که مردم جهان را به  
انتخاب این آئین که آخرین و بالاترین آئین‌ها  
است دعوت می‌کند، و همچنانکه قبلا  
نیز گفتیم، آزادی عقیده را محترم می‌شمارد  
و به اقوامی که دارای کتاب آسمانی هستند  
و ریشه عقیدتی و ایدئولوژیکی درستی

فریب، شرك و گناهانی نماید و دین مخصوص  
الله گردد پس اگر از روش نادرست خود  
دست برداشتند، مزاحم آنان نشوید زیرا  
تعدی جز برستمکاران روا نیست.

در اینجا ملاحظه می کنید که هدف از  
بیکار، احیای دین الله و از میان برداشتن  
فتنه، (که معنای وسیعی دارد و شامل هر  
نوع شرك و نامردمی است می گردد) می-  
باشد و در عین حال دستور می دهد که اگر  
این افراد به خود آیند و از راه نادرست خود  
باز گردند، نباید به آنان سختی روا داشت  
با توجه به مطالب بالا، در عین حال،  
حکومت اسلامی به افراد مشرك و بت پرست  
هم، تحمیل عقیده نمی کند و چنانچه به  
توطئه چینی و فتنه انگیزی نپردازند آنان  
را در عقاید باطلشان آزاد میگذارد و  
همچنانکه مسلمانان را از نیکی کردن به  
توطئه چینیان و خیانتکاران، باز میدارد (۱).  
به افراد غیر مسلمانی که کاری با اسلام  
و با مسلمانان نداشته و ندارند و فتنه و  
خیانت نمی کنند، نیز خدمت می کند و با آنان  
مطابق تسطو و عدل رفتار مینماید، قرآن مجید  
تصریح می کند که :

لاینهاکم الله عن الدین لم یقاتلو-  
کم فی الدین ولم یخروجکم من  
دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم  
ان الله یحب المقسطین (۲)  
(خدا شما را از نیکی کردن به کسانی که

عقیده نام نهاد بلکه یک نوع خرافه انحراف  
و حماقت است و در واقع یک نوع بیماری  
اندیشه و اخلاق و نتیجه عدم تعقل و خورد-  
مندی است که اگر ریشه کن نشود **ام الفساد**  
همه ی پستیها و بی عدالتیها و لاجوان مردیها  
است ! و مبارزه با آن بظنی عظیمی از  
رسالت پیامبران الهی را تشکیل می دهد،  
آنان برای تکامل و سعادت انسانها در کنار  
دعوت مردم به توحید، با تمام نیرو و طاعتیت  
تمام با شرك و بت پرستی مبارزه می کردند  
و در این مبارزه هیچگونه کوتاهی و سازشی  
را نمی پذیرفتند و در این راه از همه چیز  
می گذشتند، و همه سختیها را به جان می خریدند  
چون می دانستند : تا شرك ریشه کن نشود  
بی عدالتیها و مفسد از میان نخواهد رفت ،  
آنان شرك را در هم می کوبیدند، چون آنرا  
مانع تکامل و سعادت انسانها میدانستند .  
بت شکنی و درهم کوبیدن طاغوتها ،  
در صدر برنامه پیامبران بود زیرا طاغوت  
درست مقابل الله و توحید قرار گرفته است،  
تاریکی و جهل است که در مقابل نور و  
حقیقت و اله شده ، باید ذللت و جهالت را  
از میان برد، تا همه موجودات از حیات و  
زندگی و نور و روشنائی برخوردار گردند  
در آیه ۱۹۳، سوره بقره میخوانیم : و  
قاتلوهم حتی لا تكون فتنه و یكون  
الدین لله فان انتهوا فلا عدوان الا  
علی الظالمین .  
«و با آنها بیکار کنید تا فتنه و بت پرستی ،

در مورد دین با شمس جنگ و بیکار ندارند و از خانه و دیارتان بیرونتان نکرده‌اند ، باز نمیدارد و همچنان شمارا از خوش رفتاری و معامله با عدل و نسط با آنان ، جلوگیری نمی‌کند که خداوند دادگران و عدالت- پیشگان را دوست میدارد .) و خوشبختانه قانون اساسی حکومت جمهوری اسلامی ایران در اصل «۲۳» و اصل «۱۳» به این حقیقت تصریح نموده است که : «به حکم آیه شریفه «لاینهاکم عن الدین ... دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.»

### ۲- در برابر نقشه و توطئه

گاهی دشمن داخلی یا خارجی ، بطور مستقیم وارد عمل نمی‌شود ، بلکه به طرح نقشه و توطئه چینی می‌پردازد و در واقع جنگ و مبارزه را تحمیل می‌کند ، ضمناً ناگفته پیداست که نقشه و توطئه ، راه‌مبین و مشخصی ندارد ممکن است دشمن از هزاران راه استفاده نماید حتی از درخبر خواهی و دوستی و دفاع از مظلوم و تروریج حق و عدالت وارد گردد .

ولی اسلام و هر قانون انسانی و بشری ، این حق را به انسان می‌دهد که : هوشیارانه

در آیات ۱۹۱ و ۱۹۲ سوره بقره می- خوانیم : **وَاتَّقُوا اللَّهَ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ** و آخر جوهم من حیث آخر جوکم و **الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يَخْرُجُوا مِنْهُ فَإِنْ قَاتَلُواكُمْ فَاغْتُلُوهُمْ كَمَا أَنْتُمْ قَاتِلُونَ الْكَافِرِينَ فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ شَفِيعٌ ذُو فَضْلٍ**

و آنها را «مشرکانی که از هیچگونه جنایت آشکارا و پنهان فروگذار نیستند» هر کجا بیاید نابود سازید و از شهری (مکه) که شما را بیرون کردند ، بیرونشان کنید با آنها بجنگید آنگاه اگر جنگیدند آنان را بقتل برسانید که این است جزای کافران . و اگر از کارهایشان خودداری کردند خداوند آمرزنده و مهربان است .

در این دو آیه خداوند وظیفه مسلمانان را در برابر کفار مکه ، همانان که مؤمنان را از خانه و زندگی آواره کردند و هرگونه اذیت و آزار درباره آنان روا داشتند و

## عقیده

اگر کسانی مؤمنان و طرفداران مکتب توحید را تحت فشار قرار دهند که از ایمان خود دست بردارند و به جهالت بازگردند ، برای رفع این فشار ، مسلمانان حق دارند با تمام توان و نیروی خود جلوگیری نمایند .

باتوجه به مباحث فوق این پرسش پیش می آید : افرادی که این روزها در کشورمان و برخی از افراد در خارج کشور از آزادی عقیده دم می زنند و برای دموکراسی سوگواری می کنند چه کسانی هستند ، آیا آنان که نادر روز از هیچ ظلم و جنایتی در باره این ملت فرو گذار نبودند ؟ آیا طرفداران طاغوتها و مکتبهای شرک و بت پرستی هستند ؟ که چون از طاغوت خوششان می آمده می خواهند طاغوت جدیدی برایمان بسازند که منجهداً توکر باشیم و برگمی جدیدی را آساز کنیم و ایلایک بسوند «اسم» هم داشته باشیم که بما بگویند : امروز و روشنتر ۱۱۹

آیا کسانی هستند که مانع خودوار ، بانسان به خطر افتاده و آزادی را هبارت از این می دانند که آنان در عارت و چهاول آزاد باشند ؟ آیا کسانی هستند که از شهوت تراشها و به بند و بارهای بی حد و حساب محروم شده اند و آزادی را عسارت از آزادی حیوانی و زندگی جنگلی می دانند ؟ آیا کسانی هستند که جاولی لاشه ها و توطئه هایشان گرفته شده است ؟ کدامند ؟ کیانند ؟

هزاران نیزنگ برای بازگرداندنشان از اسلام بیکار بستند ، و هرروز بکنویم نقشه کشیدند و بکطور توطئه چیدند ، تعیین کرده و «لتنه» را که معنی وسیعی دارد از قتل و کشتار بدتر دانسته است و بیکار با تنه جوانان و تنه انگیزان را لازم شمرده است

## ۳- برای کسب آزادی در ابلاغ

رسالت .

توان الهی برای سعادت ابلاغ شده است و بیامبران و انسانهای واقعی باید این توان را از راه مسالمت به جهانیان ابلاغ نمایند ، اکنون اگر افرادی یا گروه هایی این توان را منافع متعلق خود می دانند و موافقی بر سر راه انبیا وجود آوردند ، الهیون حق دارند نصرت با مسالمت و آرامش ، رفع مانع کنند و اگر از این راه ممکن نشد ، با توسل به زور و قدرت ، هوانع را از سر راه دعوت و رسالت خود برمی دارند ، عبارت دیگر : تمام مردم جهان حق دارند که ندای منادان حق را بشنوند و در قبول دعوت آنان آزاد باشند ، اکنون اگر کسانی بخواهند ، آنان را از این حقوق مشروع محروم سازند و نگذارند صدای منادان راه خدا به گوش جانسان برسد و از بند و بند بردگی و فکری و اجتماعی آزاد گردند حق مشروع و طبیعی آنان است که : از هر وسیله استفاده نمایند ، و سود جوانان و چند چهره گان را به جای خود بنشانند .

## ۴- برای مداوم و پساداری از

## حوزه علمیه قم سنگر علم و فضیلت

### وباینگاه مبارزه و جهاد

#### هدف و آرمان مقدس حوزه :

سخن از حوزه علمیه قم و نقش اصلی آن در رهبری نگری و ارشادی مردم بود ، هدف اصلی و برنامه اساسی این حوزه علمیه بی که پایگاه دانش و مبارزه و مقرر ارشاد برای جهان شناخته شده است در مرحله اول حفظ و نگهداری اصالت های علوم اسلامی و پیشبرد مقابله علمی و سپس ارشاد و توجه مردم در مسائل اسلامی و روشنگری اذهان و جهت دادن به زندگی اسلامی مردم جهان است در واقع حوزه دو وظیفه مهم بر عهده دارد :

۱- تعقیب و تکمیل فرهنگ اسلامی و بهر بار ساختن آن .

۲- ترویج و تکمیل و تبلیغ علوم و دانشهایی که يك جامعه در مسیر تکامل خود باید بیاموزد و به کار ببندد حوزه علمی علمیه بر اساس فرهنگ اسلامی ، شالوده ریزی شده است و هدف آن سوق دادن جامعه به سوی «الله» عالیترین مرحله تکاملی انسان و رهانیدن از فرهنگهای استعماری است ، بعد فرهنگ علمی حوزه همراه بعد ارشادی و تبلیغی آن می باشد چون اعتقاد کامل دارد که بعد تنها علمی محض ، نمی تواند راهگشا باشد اگر فرهنگ جامعه توأم با عمل نباشد ایام دیگر جامعه به سادگی زوال پذیر و متعول هستند .

اگر عالمی ایمان و آرمان نداشته باشد نمی تواند در بهر کار سرزشت ساز جامعه نقشی داشته باشد پس بطور خلاصه می توان گفت : که آرمان حوزه علمیه انسان سازی و تربیت افراد است انسانی که از نظر نگری و علمی و عملی نمونه والادری سطح عالی معنوی باشد .

آرمان حوزه های علمیه ، انجام خدمات اسلامی و انسانی در راه تکامل انسانیت و انسان سازی است و دانشجوی علوم اسلامی پس از اتمام تحصیلات و سازندگی خوبستن ، به خدمت جامعه اسلامی درمی آید و اندوخته های خود را در راه خلق و در طریق ارتقاء ارتباط

با خدا صرف می کند .

### رشته های علوم :

بالحاق از این منطق و بهره گیری از این تز و اندیشه است که سپاه علم و دانش و لشکر آزادی و استقلال و سر بلندی و چنود تقوی و فضیلت در آن مهر گهر بار پرورش می یابند انفراد آن بصورت های محقق ، منسج ، مورخ ، جامعه شناس ، محدث ، متکلم ، ایدئولوژیست ، مبلغ ، فیلسوف آماده می شوند و همه به سلاح علوم مسلح از آن مکتب ار جدار بیرون می آیند و در سراسر کشور گسیل می گردند تا از اصالتها و حقائق اسلامی و معارف اصیل الهی دفاع و ترویج کنند .

حوزه ی علمیه تم و دیگر حوزه های علمی که در سراسر کشور وجود دارد کانون های توحید و انسان شناسی و کلاس های تربیت و تهذیب و انسان سازی است و حوزه علمیه به مجتمع فعالیتها و تلاش های درسی و تربیتی که در مدارس ، متعدد و محافل مختلف درسی و تربیتی صورت می گیرد گفته می شود که همگی این محافل و مدارس هدف های بالا را تمهیب می کنند و از رشته های علوم هر علمی که به تقویت و تکمیل مبانی یاد شده مؤثر باشد مورد استفاده قرار می دهند خواه ادبیات و حکمت و فلسفه باشد یا ریاضیات و نجوم و هیئت و زبان ، جامعه شناسی ، یا حدیث و کتاب و تفسیر و لغت یا جامعه شناسی ، روان شناسی و غیره .

حوزه ی علمیه تم که همواره به نیاز های اجتماعی و ضرورت های روحی مردم توجهی خاص داشته و تا کنون در پروراندن و عاظ و سخن گویندگان مذهبی و نویسندگان و محققان آگاه و مطلع ، گام های مؤثر برداشته است اکنون بهترین و عالی ترین دوران های سازندگی خود را طی می کند و در رأس برنامه های اداری و علمی آن مراجع عالی قدر و والا مقامی قرار گرفته اند که با فداکاری و دلسوزی تمام در مسیر پیشبرد برنامه های آن مکتب انسان ساز تلاش و کوشش بیگم و مستمر دارند .

### سابقه ی تاریخی حوزه و مؤسسی آن :

تم از سال های پس متمادی مورد توجه شیفتگان خاندان رسالت بود و دانشمندان و محدثین عالی مقامی از آنجا برخاسته اند اما درست از زمانی که رضاخان در پهنه سیاست ایران ظاهر شد توانست ماهیت تاریخی و اسلامی انسانی خود را آشکار کند . و این زمانی بود که آیت الله حائری مرد خدا مرد اندیشه های و صاحب مکتب فکری و عقیدتی انسان ساز بلند آوازه مرجعیت شیعیان جهان را بعهدہ داشت و وظیفه روحانی خود را در زمینه رهبری شیعیان جهان در شهر قم انجام میداد .

در آن زمان حوزه علمیه تم از چنان رونق و شکوه روح پروری برخوردار شد که حوزه درسی او را با حوزه های علمیه شخصیت های برجسته علمی جهان اسلام مانند بهبهانی ، شیخ



انصاری، مهرزای شیرازی آخوند محمد کاظم خراسانی و استاد متأخرین آقا ضیاء السدین عراقی قدس الله اسرارهم هم طراز و هم پایه دانسته اند چرا که از مکتب آن مرد خدا بزرگد مردانی برخاسته اند که هر يك به نوبه خود يك سرفصل تاریخ ساز و صاحب مکتب فکری و عقیدتی شکوهمندی بوده اند. در اینجا با توجه و شناخت شخصیت های برجسته روحانیت معاصر که بر چنداران ارشاد امت و رهبری جهان اسلام را بر عهده دارند.

بغوی می تواند ارزش مکتب السان ساز و مقام رفیع علمی شخصیت بارز اسلامی را معرفی کند.

ازین بالغ بر شخصیت های برجسته علمی و اسلامی که در حوزه علمیه و مکتب تدریس آیت الله حائری تربیت یافته اند اکثریت تریب به اتفاق آنان، نامتداران جهان اسلامند.

### زندگینامه آیت الله حائری .

مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، که یکی از بارزترین فضیلاي حوزه مهرزای بزرگ، مرحوم حاج میرزا محمد حسن شیرازی در سامره بوده و سپس در حوزه مرحوم میرزا محمد تقی مهرزای دوم و سید محمد نشار کی هم شرکت فرموده، خود به سال ۱۲۷۶ در تریزه «مهرجرد یزد» چشم به جهان گشوده است.

وی که بسال ۱۳۱۶ به دعوت علماء و بزرگان شهراراک، به آن شهر عزیمت نمود و چند سالی در آنجا توقف و اقامت کرد، هنگامی که برای همیشه بشهر قم آمد و در محل اقامت در آن شهر انکند، با عزمی راسخ و اراده ای آهنین در کنار مرقد منور بانوی بزرگوار اسلام حضرت فاطمه معصومه (ع) سنگ بنای حوزه علمیه راهبای نهاد و با تلاش و کوشش پیگیر توالست در اندک مدتی نظر همه مجامع علمی جهان را به دانشو معظوف دارد.

در حقیقت میتوان گفت، توقف و اقامت حضرت آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی در شهر قم و باپردی و همتی که در جهت تشکیل حوزه علمیه قم، خرج داد اساس و شالوده ریزی حوزه کنونی قم گردید.

پنج از صفحه ۱۲

که از ربا خواری چه به صورت فردی  
و چه به صورت بانگهای ربا خواری پاک  
سازی نشده جامعه اسلامی به معنی  
واقعی کلمه نیست (ادامه دارد)

آی را، حتی برای کسانی که تازه مسلمان  
شده اند و در محیط اسلام گام نهاده اند بالی  
نی گذارد که پاک جامعه اسلامی مادام



دکتر منصور شرفی

عضو کالج بین المللی جراحان

# هرگز خودسرانه دارو مصرف نکنید

آثار غیر مطلوب بروز نماید. این اثر در  
تداخل داروها بیشتر دیده می شود. بنابراین  
دلت در این امر ضروری و خوردن خود  
بسرانه دارو ولو به ظاهر بی ضرر، ممکن  
است مخاطرات بسیار شدید به همراه داشته  
باشد.

مفلا مردی میان سال که مدت ها ناراحتی  
قلبی داشت چند هفته متوالی قرص آسپرین  
می خورد. یک روز ناگهان وبدون هیچ  
علت ظاهری از حال رفت به اصطلاح  
بزشکی «کولابسه» (۱) شد و بسرعت وی  
را به بیمارستان رسانیدند علت این امر  
خسوریزی داخلی تشخیص داده شد و  
بلافاصله با تزریق چند شیشه خون وی احیاء  
گردید.

علت امر چه بوده است ؟ نامبرده به

اثر متقابل مواد و داروها بر  
یکدیگر:

در گذشته راجع به مداوای خودسرانه  
مطالبی نوشته ایم. از آنجائیکه موضوع  
حائز اهمیت است لذا تکرار آن خالی از  
فایده نخواهد بود.

باید دانست که داروها اثر متقابل بر  
یکدیگر دارند وحتی ممکن است که یک  
نوع دوا با غذای بخصوص متناسب  
نباشد و مصرف آن دو با هم ایجاد درد  
سرهایی بکند.

این که می گویند خوردن عسل و خرپزه  
با هم خوب نیست ویا ماهی و شیر با هم  
نمی سازند شاید درست باشد چه ممکن است  
در بعضی از مردم واکنشها، حساسیت و

مستقیم با واکنش‌های ناهنجار خواهد داشت.

**آلرژی** - نورخورشید و حتی غذاها می‌توانند توأم با داروها منشأ اثرات نامطلوب شوند آسان‌ترین حساسیتی که می‌توان از آن جلوگیری نمود حساسیت با داروهاست.

اگر بعضی از داروها در انسان اثر نامطلوب داشته باشد باید موانع مراجع به پزشک آن را خاطر نشان ساخت و پرواضح است که خود بیمار نیز خودسرانه گرددارو- هائیکه قبل اثر نامطلوب داشته است نباید بگردد.

ممکن است بعضی از داروها با خوردنیها و آشامیدنیها ترکیب شده و اثرات نامطلوب در بدن ایجاد نماید مثلاً بعضی از داروهای ضد اسردگی که از تشکیل بعضی «اکسید-ازها» (۲) جلوگیری می‌کنند با ماده شیمیائی «تیرامین» (۳) ترکیبات زبان‌آور می‌دهند و باعث بالا رفتن فشارخون میشوند این ماده اخیر در غذاهائی مانند پنیر کهنه شراب و بعضی کنسروهای ماهی یافت می‌شود.

در پنیر «تیرامین» بوسیله عمل باکتریها

علت ناراحتی قلبی و برای جلوگیری از لخته شدن خون در سرخ رگهای قلب تحت درمان با داروهای ضد انعقاد خون بود. آسپرین نیز که خود تا حدودی اثر ضد انعقاد دارد به داروهای مصرفی بیمار کمک کرده و بیش از حد خون را رقیق نموده است و این امر باعث خونریزی داخلی شده است، با این بی احتیاطی بیمار دست خود، حیات خود را به مهلکه بسیار شدید انداخته است.

بدین ترتیب می‌بینیم که یک داروی بظاهر بی‌ضرر که بیمار مدتها از آن بدون هیچ حادثه‌ای استفاده می‌کرده است چگونه به سم مهلک و خطرناک تبدیل شده است.

بطوریکه مجله انجمن داروسازان (۱) آمریکا گزارش میدهد در آمریکا از ۳ تا ۷ درصد بیماران بستری در بیمارستانها را کسانی تشکیل می‌دهند که از اثر متقابل داروها رنج می‌برند و در سال در حدود سی هزار نفر به این علت در آن کشور جان میسپارند.

آشکار است که هر چه تعداد دارو هائی که یک نفر در آن واحد مصرف میکند واسطه

۱- American Pharmaceutical Association اکتبر ۱۹۷۳

۲- Oxidose

۳- Tyramine

روی «آسیدهای آمینه» ایجاد میشود .  
مقدار تیرامین بنابر بسته انواع و کهنگی بنبر  
است .

**علائم زیاد آور اثرات متقابل داروها:**  
بصورت سردرد در ناحیه خلفی سر ظاهر می شود. گاهی بصورت درد ناحیه کردن، طش قلب، رنگ پریدگی، تهوع و ضربانات غیرعادی قلب پروژی می کنند.  
گاهی داروها اثر همدیگر را هفتی می کنند و نتیجه این میشود مثل اینکه اسان اصلا دارو نخورده است.

البته تمام داروها بر همدیگر اثر بد ندارند و بلکه گاهی اثر همدیگر را هم تقویت می کنند و روی این اصل است که گاهی پزشک لازم می داند که چند دارو را باهم ترکیب بکند تا مؤثرتر واقع شوند.

تعداد زیادی از داروهای ترکیبی از امتزاج داروهای مختلف بوجود آمده است و از آنجائی که پزشک می داند چه کار میکند و ترکیب داروها را بدقت می سنجد بنا بر این وقتی که پزشک يك داروی ترکیبی و یا چند داروی مختلف را باهم تجویز میکند نباید دغدغه ای به خاطر راه داد.

موقعی که بیمار، پزشک خود را عوض می کند باید پزشک بعدی را از داروهائی

که تازه مصرف نموده است باخبر سازد.

**اثر خطرناک الكل توأم با داروهای آرام بخش:** اثر زبان بخش مشروبات الکلی بر روی «ارگاناسم» یعنی کلیه تشکلات بدن چیز است که چهلگی محققان برآند .

مشروبات الکلی توأم با برخی از داروها بویژه آرام بخش ها بسیار خطرناک است . بعضی از مردم اساساً داروهای خواب آور و مسکن های اعصاب را دارو حساب نمی کنند و بدون توجه باین امر حین مصرف این دارو و مشروبات الکلی هم صرف میکنند و گاهی تا پای مرگ پیش می روند. خواب آورها مانند «فنوباربتال» (۱) و یا «لومینال» (۲) که باعث خمودگی اعصاب مرکزی میشوند اگر با مشروبات الکلی مخلوط شوند بالقوه مرگ آور هستند و همچنین داروهای مسکن اعصاب مانند «لیبروم» و «والیوم» و داروهای مخدر و بعضی آنتی هیستامین ها اگر با الكل توأم مصرف شوند بسیار خطرناک گردند. همچنین آنتی هیستامین ها که در اغلب داروهای سرماخوردگی و ضربت سینه وجود دارند به تنهایی و یا توأم با خواب آورها ممکن است بیش از حد باعث خواب آلودگی شده در اینصورت رانندگی و یا کارها مانعین را بسیار خطرناک نماید.

Phenobarbital - ۱

Luminal - ۲

کوتاه سخن آنکه انسان باید به بدن و سلامت خود که یکی از بزرگترین ودایع الهی است به اندازه ساعت و با اتومبیل خود ارزش قائل شود چه اگر این وسایل بدکار کنند کسی خودش آنها را تعمیر نمیکنند و با از همسایه بفصل دستی کمک نمی‌گیرد بلکه آن را حتماً به ساعت ساز یا تعمیرکار خبره‌اشان می‌دهد تا تعمیر نماید پس چگونه بدن را که هر جزء آن بسیار دقیق تر و ظریفتر از ساعت است به دست خود و یا به دست اشخاص ناوارد تراز خود تحت درمان قرار دهند .

بطور کلی عقل سلیم حکم میکند که بهبود این چنین دستگاه پیچیده را از کارشناس آن که همان پزشک باشد خواستار شده و تازه چه بسا که پزشک متبحر خود به تنهایی از عهده تشخیص و درمان بر نیاید و از کارشناسان دیگر مانند سایر پزشکان و متخصصان آزمایشگاهی و کارشناسان عکس برداری طبی وغیره استمداد میکند.



تتراسیکلین ها که یکی از داروهای بسیار مؤثر برای بیماریهای میکروبی هستند اثر آنها با خوردن داروهای ضد اسید معده و حتی محصولات لبنی مثل شیر، کم میشود در اینصورت اگر کسی به علت تب و یاسا بر بیماریها به پزشک دیگر مراجعه کند باید وی را از مصرف داروهای معده‌ای آگاه سازد. بهر حال باید ۱ تا ۱/۵ ساعت بین داروهای ضد اسید و کپسول تراسیکلین فاصله بدهد .

امروزه در بعضی از کشورهای جهان معالجه خودسرانه باعث بستری شدن تعداد کثیری بیمار می‌شود بطوری که از این لحاظ در ردیف پنجم بیماریهای بستری کننده قرار دارد .

یکی از زیانهای خطرناک معالجات خانگی اینست که بعلت مسکن بودن و یا مطلقاً نبودن موثری آن در بیماری، ممکن است يك بیماری که در ابتدا به آسانی قابل درمان بود به مرحله‌ای برسد که درمان ناپذیر و یا دست کم درمان آن مشکل گردد .

روزنامه‌ها نیز همکاری کنند تا این استفاده‌های درستی بموقع اجرا گذارده شود، محیط اصلاح گردد و مربیان جامعه در طریق خدمت بکوشند خود را الگوئی راستین بسازند .



پایه از صفحه ۳۷

متأثر از اجتماع و عوامل آن است . باید تغییراتی همگام با نظام تربیتی جدید در این موارد دید آید و در این راه خانه مدرسه، مسجد، رادیو، تلویزیون، سینما و مجلات